

ارل ماینر. بوطیقای تطبیقی: رساله‌ای بین‌المللی در باب نظریه‌های ادبیات. پرینستون، نیوجرسی: انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۹۰ (انتشار ۱۹۹۱). (۱۱+۲۶۰ صفحه)

Earl Miner. *Comparative Poetics: An International Essay on Theories of Literature*. Princeton, N.J.: Princeton University Press, 1990 (released 1991). xi +260 pages

عنوان کتاب مورد بحث ما بوطیقای تطبیقی اثر ارل ماینر است که به سبک و سیاق رساله و در قالب پژوهشی دقیق ارائه شده است. این اثر شیوه بیان و آموزش نظریه ادبی را به چالشی بسیار مهم می‌کشد. ماینر خاطر نشان می‌سازد که بسیاری از نظریه‌پردازان به جای آنکه از مرزهای بومی فراتر روند، مفاهیم خود را بر پایه حقایق می‌گذارند که صبغه بومی دارد و، بدین‌سان، به عقایدی استناد می‌کنند که در واقع «محدود و کوتاه‌بینانه» اند ولی «به طرز فریبنده‌ای آشنا» به نظر می‌آیند. به‌خصوص اندیشمندانی که دیری است بر نظریه ادبی در غرب سلطه دارند، اغلب سبک‌های تفکر ادبی سنتی خود را هنجارهای جهانی پنداشته‌اند؛ اگرچه ماینر معتقد است که آنچه در واقع «حوزه غربی» نامیده می‌شود خصوصیات بارز سه‌چهارم از جهان را دربر نمی‌گیرد. پس از طرح این چالش، ماینر تحلیلی از نظریه‌های ادبیات ارائه می‌کند که در آینده بسیار گسترده و جهانی خواهد شد. وی تصدیق می‌کند که این تحلیل ممکن است جامع نباشد، اما رویکرد تطبیقی او حداقل حوزه‌های اصلی تفاوت میان نظریه‌های ادبیات را روشن می‌کند. از این‌رو فی‌المثل معتقد است که «تمام نظام‌های شعری، الا نظام غربی، ظاهراً بر پایه شعر غنایی نهاده شده است». ماینر با اشاره به این سؤال تکراری که آیا تراژدی والاترین شکل ادبیات محسوب می‌شود یا حماسه، خاطر نشان می‌کند که «این بحث به حوزه مغرب‌زمین مربوط می‌شود، یعنی جایی که تصور می‌شود که تصمیم‌گیری درباره موضوعات مهم را تنها می‌توان در کارزارهای گسترده ادبی انجام داد»، درحالی‌که در سایر حوزه‌ها چنین می‌اندیشند که «استمرار طولانی، نه تنها بدسلیقگی که حشو نیز هست». نظریه‌پردازان غربی میان دال و مدلول تمایز قائل می‌شوند، حال آنکه از دیدگاه ژاپنی‌ها ابهام یا ادغام این دو طبیعی است. خواننده غربی

بر جنبهٔ تخیلی بودن ادبیات تأکید می‌ورزد، از این رو میان شاعر و راوی تمایز قائل می‌شود، اما «چون شواهدی برخلاف آن وجود ندارد چینی‌ها بر این باورند که شعر بر پایهٔ واقعیت بنا شده است».

این چشم انداز جهانی آشکار می‌سازد که حتی عناوین آثاری همچون نظریهٔ ادبی ارزشمند رنه ولک^۱ و آستین وارن^۲ (۱۹۴۹ و بسیاری از چاپ‌های بعدی آن) که مبنای پژوهش‌های ادبی در زمان ما هستند تلویحاً ادعایی را مطرح می‌سازند که به‌طور قطع غیرمتعارف است، زیرا در این آثار نظریه‌های ادبیات ارائه نمی‌شود بلکه در بهترین شرایط، نظریه‌های ادبیات در سنت اروپای غربی مطرح می‌شود که شاید در بسیاری از نوآوری‌های اخیر نظیر روایت‌شناسی، نمادشناسی، ساختارشناسی، مکتب تاریخ‌گرایی نو و مانند آن صادق باشد؛ نوآوری‌هایی که بر نوشتن به دو سه زبان غربی نزدیک به هم تمرکز دارند و بدین‌سان، همان خطای همیشگی را تکرار می‌کنند: جزء را به جای کل گرفتن.

در این کتاب ارزشمند، ماینر توصیه می‌کند که غربی‌ها خودشیفتگی و خودمحوری را که مشخصهٔ بارز مفاهیم ادبیات آنهاست به کناری نهند. انتقاد وارد بر کتاب این است که تکیه بر «ژانر» به‌عنوان ساختار (سه فصل اصلی به نمایشنامه، شعر غنایی، و داستان‌سرایی اختصاص یافته) باعث شده است که فرضیات غربی بیش از اندازه بازتاب داده شوند. البته نوعی نظم‌دهی به کتاب یقیناً ضروری است و رویکردی عمومی، و نه لزوماً یک نظام رده‌بندی معین، کاربرد بیشتری خواهد داشت. نتایج حاصل از این تحقیق برای آنهایی که به مطالعهٔ نظریه‌های ادبیات علاقه‌مندند جالب و خواندنی است.

کارولین د. اکهارت^۳، دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا

ترجمهٔ ویدا بزرگ‌چمی

¹ René Wellek

² Austin Warren

³ Caroline Eckhardt